

کنسرتو

نگاهی به تاریخچه پیدایش کنسرواتوارها از دارالایتم تا کنسرواتوار



هما سادات افسری
استاد کنسرواتوار تهران

از قدیم مدارس موسیقی به نام کنسرواتوار در ایتالیا دایر بوده است. پیشینه این مدارس به دوره رنسانس و شهر ناپل برمی گردد. این مدارس در حقیقت دارالایتمی بودند که به افراذ بی‌سرپرست موسیقی آموزش می دادند. به هر حال کنسرواتوار نوعی مامن و پناهگاه برای ایتم بود و در اثر تکرار واژه کنسرواتوار در ایتالیا، می توانیم پیشقدم بودن این کشور را در راهاندازی کنسرواتوارها در باییم.

در فرانسه اولین گونه کنسرواتوارها در اوایل دوره مسیحیت تأسیس شد که آموزش موسیقی در کلیساها را در بر می گرفت. اولین کوششی که جهت راهاندازی کنسرواتوار در مفهوم امروزی در فرانسه صورت گرفت، به دوره کشیش ایت برمی گردد. وی در سال ۱۶۶۹ یک آکادمی موسیقی برپا می کند. این آکادمی «مدرسه سلطنتی آواز و دکلماسیون» نام داشت و محلی بود برای هنرمایی هنرمندان تئاتر، آوازخوان‌ها و هنرپیشگان. در سال ۱۷۸۴ این مدرسه به محل جدیدی منتقل می شود و مدیریت آن را فردی به نام گوسک بر عهده می گیرد. اما بنیانگذار واقعی کنسرواتوار پاریس که الگویی برای تمام کنسرواتوارهای امروزی محسوب می شود، شخصی به نام برنارد سارت است که اهل پورنو بوده و در ۱۷۶۵ متولد شده است. او که افسر ستاد مشترک ارتش بود، سرپرستی گارد سلطنتی را در دوران انقلاب فرانسه بر عهده می گیرد. سارت هر چند موسیقیدان نبوده، ولی در ۱۷۸۹ موسیقیدان‌های گارد فرانسه را جمع می کند و گروه موسیقی گارد ملی فرانسه را تشکیل می دهد. او فردی کلاما با استعداد بود و به مدد مدیریت خوب خود، جشن‌های انقلاب را در سال ۱۷۹۲ باشکوه هرچه تمامتر، برگزار می کند. وجه تسمیه کلمه «کنسرواتوار» به سال ۱۷۹۳ برمی گردد. در این سال این کلمه برای اولین بار به کار برده می شد. سارت در زمان اصلاحات در فرانسه مجبور شد از کار خودش منصرفا دهد و مدتی هم کنسرواتوار تعطیل و فعالیت‌های آن محدود می شود تا جایی که وضعیت آن برمی گردد به وضعیت قبل از تأسیس، یعنی زمانی که کنسرواتوار با عنوان «مدرسه سلطنتی آواز و دکلماسیون» شناخته می شود. این مدرسه تحت مدیریت فرانسوا پرن قرار می گیرد. او البته موسیقیدان بسیار ممتازی بود، هر چند هیچ گاه از وی تجلیل نشد. سیستم کنسرواتواری با آمدن موسیقیدانی به نام گروبینی جان تازای گرفت. ما تا اینجا مروری بر کنسرواتوارها و مدارس موسیقی در فرانسه داشتیم، اما طی این سال‌ها کنسرواتوارهای کشورهای دیگر هم فعالیت خوبی داشتند.



کنسرواتوار ایتالیا از آن جمله است، خصوصا از این جهت که ایتالیا سرمدار راهاندازی کنسرواتوارها در جهان است. قدیمی ترین کنسرواتوار ایتالیا، «کنسرواتوریو سانتا ماریا دی لورتو» نام داشت که در سال ۱۵۲۷ در شهر ناپل تأسیس شد. همچنین در سال ۱۶۱۵ کنسرواتوار دیگری در پارمو تأسیس شد یا در بولونیا کنسرواتوار مجهزی در ۱۸۶۴ راهاندازی شد. این کنسرواتوار کلکسیون مجیزی از تصاویر تمام موسیقیدانان دنیا داشته است. کنسرواتوار میلان در ۱۸۰۷ تأسیس شد. روسینی برای شهر پزرو که شهر مادریش بوده، مبلغ ۱۳۰۰ لیر اهدا می کند تا مدرسه موسیقی در این شهر احداث شود. کنسرواتوار فلورانس هم در سال ۱۸۱۴ تأسیس می شود. در آلمان کنسرواتوارها قدمت زیادی ندارند، اما نهادهای مشابهی وجود داشته که نقش کنسرواتوار را ایفا می کرده اند، مانند مدرسه سن توماس لایپزیک که سباسیون باخ در آنجا آوازهای کلیسایی را اجرا می کرده است. در قرن نوزدهم به خاطر اساتید برجسته ای که در آلمان فعالیت می کنند، کنسرواتوارهای این کشور پیشرفت زیادی کردند. در سال ۱۸۵۰ کنسرواتوار برلین راهاندازی می شود که زوژف یواخیم از جمله اساتید آن بوده. شهر فرانکفورت در سال ۱۸۷۸ صاحب کنسرواتوار می شود و شهر مونیخ هم در سال ۱۸۴۶. کنسور ارتش تنها در سال ۱۹۰۹ است که از یک کنسرواتوار دولتی بهره مند می شود. در مجارستان در سال ۱۸۸۰ یک آکادمی ملی موسیقی تأسیس می شود. همچنین در سوئیس کنسرواتوار ژنو در ۱۸۳۳ راهاندازی می شود. در «برن» هم مدرسه ای در ۱۹۲۷ تأسیس می شود که از جمله کنسرواتوارهای مهم محسوب می شده است. در بلژیک کنسرواتوار مهمی به نام کنسرواتوار بروکسل وجود دارد که تأسیس آن به سال ۱۸۱۲ برمی گردد. در هلند سه کنسرواتوار مهم در آمستردام و روتردام و لاهه فعال بوده که به ترتیب در سال‌های ۱۸۶۲، ۱۸۴۵ و ۱۸۲۶ تأسیس شده اند. در انگلستان، آکادمی سلطنتی موسیقی هست که در ۱۸۲۲ تأسیس شده. همچنین آکادمی لندن که در ۱۸۶۲ راهاندازی شد. در کشورهای اسکاتلندایی، کنسرواتوار کینپاک در ۱۸۶۷، کنسرواتوار اسلو در ۱۸۶۵ و کنسرواتوار استکهلم در ۱۸۷۱ دایر شد. در لهستان، کنسرواتوار شهرهای کراکو و ورشو به ترتیب در سال‌های ۱۸۸۸ و ۱۸۲۱ راهاندازی شد و در اسپانیا هم کنسرواتوار مادرید در ۱۸۳۰ دایر شد. کنسرواتوار پرتغال هم در ۱۸۳۳ راهاندازی شد. اما در روسیه، کنسرواتوار لنینگراد در ۱۸۶۲ تأسیس شد و کنسرواتوار مسکو هم کار خود را در ۱۸۶۶ شروع کرد. آمریکا هم در تمام شهرها و مناطق خود کنسرواتوارهایی دارد که فعالیت موسیقی در آنها کلاما مدرن و بهروز است.

گفت و گوی شرق با لیلی افشار

نوازنده گیتار کلاسیک به پهمانه اجراها و مستتر کلاسی هایش در ایران

خون ایرانی و روح فلامنکو

پرویز براتی



عکس: آرشین رهبر شرقی

چند صباچی است که حضور شما در ایران بیشتر شده و لاقال سالی یکبار در تهران کنسرت می گذارید. نمی خواهم بگویم چرا این اتفاق می افتد. سوال من به جنبه دیگر قضیه اشاره دار: دندزدانی گیتار کلاسیک و سبک کاری شما نیازمند پشت سر گذاشتن دوره های سکوت، تعق و آرامش است تا نوازنده با آهنگساز بتواند با قطعاتی جدید روی صحنه آید...

من سعی می کنم هر سال بخشی از برنامه ام را عوض کنم و با قطعات و آثار جدیدی روی صحنه بیایم. امسال هم کارهای تازیا را تنظیم کردم و ضمن اضافه کردن قطعات ایرانی، ترکی و ایتالیایی به برنامه ام، یک موسیقی فیلم از موزیکونی هم تنظیم کردم که تا به حال هیچ کدام شان را در ایران اجرا نکرده بودم و در خانه هنرمندان اجرا خواهم کرد. شرکت در اعضای ارکستر سمفونی کارون هم برای خودم جدید و غیرمنتظره بود و از حضور در این برنامه خیلی خوشحالم. اینجا همه کارهای جدید من است.

شما همزمان در دانشگاه ممفیس تدریس می کنید. آیا در دو سه سال اخیر که فعالیتتان در ایران بیشتر شده در آمریکا و اروپا هم روی صحنه رفته اید؟

بله، در ممفیس و شهرهای دیگر ایالات متحده و همچنین در اروپا کنسرت های بسیاری روی صحنه بردم.

آخرین کنسرتتان در خارج به طور مشخص چه زمانی بود؟
آخرین کنسرتم در ناپل ایتالیا و در ژانویه برپا شد. بعد از آن هم در ممفیس با یک خواننده کنسرت داشتم. کارنازدا کنسرت می گذارم. **مخاطبان تان در ناپل بیشتر چه کسانی بودند؟**

آن اجرا در قالب یک فستیوال گیتار بود و اکثر کسانی که به کنسرت آمده بودند یا گیتاریست بودند یا عاشق گیتار. **اولین صحبت هایتان به قطعات ایرانی و ترکی اشاره کردید. یادم است چند سال پیش در یکی از کنسرت های شما در اروپا، ایرانی های که آنجا بودند با قطعات اروپای شرقی با ایرانی و ترک بیشتر از تباط رفتار می کردند. فکر نمی کنید یک مقدار سطح موسیقی از آن سطح آکادمیکی که شما دارید پایین تر می آید؛ به دلیل اینکه مجبورید به علت سلیقه مخاطب بخشی از علایق خودتان را نادیده بگیرید...**

در حقیقت من قطعاتی را می نوازم که خودم خیلی دوست شان دارم. موسیقی گیتار اسپانیولی و ایتالیایی ریزتوهای زیادی دارد. با این حال در صحنه جهانی، برای گیتار تکی از موسیقی ایرانی و ترکی چیزی پیاده نشده. من اصولا کار تنظیم را خیلی دوست دارم و می بینم که یک میلی در این زمینه هست. خیلی دوست دارم قطعاتی را که رشید بهیوداف خوانده است روی گیتار بزنم. هم آن طرف دنیا و هم این طرف حظ می کنند. من به گونه ای این قطعات را روی گیتار تنظیم می کنم که هنرمندان و ناام با سلیقه باشد؛ درست مثل اینکه یک قطعه اسپانیولی را برای گیتار تنظیم کنید. و چرا که نه؟! چرا موسیقی ایرانی و ترکی روی صحنه نباشد؟ من وظیفه خودم می دانم که این قطعات را روی صحنه بیاورم. **طی چند سال گذشته در ریزتوهای که برای اجرا در ایران انتخاب می کنید بیشتر سراغ قطعات کلاسیک یا آهنگ های کمتر شناخته شده می روید. درست است؟**
من اینها را با هم ترکیب می کنم. یک مقدار «باخ» می زنم، یک مقدار از تدسکو که کمتر شناخته شده ولی من یک سری از او بیرون دارم. همچنین قطعات مدرنی را که برابم نوشته شده می زنم؛ قطعاتی از دودینوکی یا رضا والی. من این قطعات را هم من نوشته شده ولی از سراسر دنیا هست و تنوع دارد.

آیا برای کنسرت های که اجرا می کنید مستر کلاس هم می گذارید؟
من هفته گذشته در آموزشگاه غوغا در تهران مستر کلاس گذاشتم. بعد از آن هم در ساری و بعد در رشت و پندر عباس.

آیا چنین امکاناتی وجود دارد که شما بتوانید چند دانشجو را انتخاب کنید برای آموزش به ممفیس ببرید؟
برای اولین بار این امکان فراهم شده است.

یعنی از رهگذر همین مستر کلاس های که می گذارید این امکان فراهم شده است؟
بله، یکی از شاگردانم که ۱۰ سال است نزد من آموزش می بیند بالاخره توانست بورسیه و ویزا بگیرد و او قرار است همراه من به ممفیس بیاید.

آموزش هایتان در دانشگاه ممفیس به طور مشخص چه دستاوردهایی داشته است؟ توضیح بدهید که چقدر از وقت تان را صرف آموزش و نوازندگی روی صحنه می کنید؟

من جزو استادانی هستم که بیشتر از بقیه سفر می کنم. یکی از دلایلش این است که از سال های لیسانس شروع کردم به کنسرت دادن. دلیل دیگر اینکه گیتار، ساز تکی است و می توانم راحت سفر کنم و لازم نیست ارکستر همراه من بیاید اما در مورد تدریس در دانشگاه باید بگویم درس هایی که آنجا می دهم برای لیانس، فوق لیسانس و دکترا هستند. من مسوول بخش گیتار کلاسیک این دانشگاه هستم. ما در آنجا برای جاز معلم داریم ولی برای گیتار کلاسیک من مسوول اصلی هستم و گیتار تکی، گیتار در آنسامبل و تاریخ گیتار را درس می دهم.

یادم می آید چند سال پیش از علاقه تان به ساز سه تار صحبت کرده بودید و حتی گفته بودید که کاش پرده های سه تار روی دسته گیتار اضافه شود. آیا این کار را انجام دادید یا نه؟
بله، من به دلیل قطعه ای که آقای «رضا والی» در آمریکا نوشتند، مجبور شدم تقریبا ۲۰ فار ت (Fret) کوچک به دسته گیتارم اضافه کنم. من قطعاتی را با همین فرتهای کوچک ضبط کرده ام که همه فرتهایم هستند.

افزون ربع پرده ها در فضای آکادمیک چه واکنشی را در پی داشت؟

هم در فضای آکادمیک و هم در دنیای گیتار نوازی این کار حرکتی عجیب و تازه محسوب می شد. در گیتار کلاسیک که همه شوه کنند چون شکل گیتار برای سال های سال به همین صورت بوده است.

واکنش ها مثبت بود یا منفی؟
از نظر آنهایی که دیدشان باز است مثبت بود ولی آنهایی که دیدشان بسته است چیزی نفهمیدند و گفتند ربع پرده به گوش ما درست در نمی آید! ولی خب، می دانید هر چیز جدیدی را باید بشنوند و بشوند و بشوند.

تا به حال نشنیده بودند؟
خیر، در دنیای گیتار کلاسیک کسی ربع پرده نمی زد.

فکر می کنم این قضیه یک مقدار در اجرای کنسرت ها برایتان محدودیت ایجاد می کند...

نه، با اینکه فرتها را اضافه کرده بودم، توانستم دو هفته بعد در کنسرت «راخوئو» بنوازم. الان به دلیل آنها را ندارم که چون چسباندن بودم شان، فرتها ساییده شده بودند. وقتی به آمریکا برگردم ممکن است دوباره آنها را درست کنم.

ولی اینکه ساز همیشگی تان باشد یک مقدار دشوار است...

من یکی، دو سال آنها را داشتم و با آنها سفر می کردم.

اخیرا در سمفونی کارون با آقای «نظامی» همکاری داشتید. شنیده ام که ایشان از شما دعوت کرده اند که همراهی شان کنید. آیا درست است؟

بله. با این حال سعی می کنم ریزتواری که در کنسرت می زنم تنوع داشته باشد و از هر نقطه دینا قطعه ای را می زنم. بعضی از آنها تنظیم خودم است، بعضی قبلا نوشته شده و بعضی ها هم برای خود من نوشته شده ولی از سراسر دنیا هست و تنوع دارد.

آیا برای کنسرت های که اجرا می کنید مستر کلاس هم می گذارید؟
من هفته گذشته در آموزشگاه غوغا در تهران مستر کلاس گذاشتم. بعد از آن هم در ساری و بعد در رشت و پندر عباس.

آیا چنین امکاناتی وجود دارد که شما بتوانید چند دانشجو را انتخاب کنید برای آموزش به ممفیس ببرید؟
برای اولین بار این امکان فراهم شده است.

یعنی از رهگذر همین مستر کلاس های که می گذارید این امکان فراهم شده است؟
بله، یکی از شاگردانم که ۱۰ سال است نزد من آموزش می بیند بالاخره توانست بورسیه و ویزا بگیرد و او قرار است همراه من به ممفیس بیاید.

موسیقی

مراقبت خاصی از گیتارش می کند. می گوید «این گیتار» بهترین دوست من است و ما از سال ۱۹۹۲ با هم هستیم. گیتار را «تامس هامفری» برایش ساخته است. طبقه سوم تالار رودکی است، چند روز مانده به اجرای سمفونی «کارون» با «لیلی افشار» از چهاره های شاخص نوازندگی گیتار کلاسیک، به گفت و گو می نشینیم. درجه پرفیسوری نوازندگی گیتار از دانشگاه «ممفیس» آمریکا دارد و اولین زنی است که در جهان در رشته اجرای گیتار کلاسیک به درجه دکترا دست یافته. او کرسی

این علاقمندی به دلیل دو قطعه ای بود که آقای والی برای من نوشتند.

از همکاری تان با آقای والی بگویید و اینکه این همکاری به چه شکل است.

اولین بار که با آقای والی تماس گرفتم از طریق نامه بود. یک نامه برای ایشان نوشتم و از ایشان خواستم یک قطعه برای من بنویسند و قطعه را نوشتند که اسمش «گزار» است و من هم اجرا کردم. ایشان در پیتربورگ هستند و من در ممفیس. ولی لازم نیست که ما همدیگر را ملاقات کنیم. موزیسین – از طریق نت که یک زبان بین المللی است – در جریان امور قرار می گیرد. بعد ایشان قطعه ای را فرستادند، دیدم که باید فرت اضافه کنم و ۱۳ فرت اضافه کردم تا بتوانم با گیتار بنوازم و باز مثل قبل قطعه را ضبط کردم و این بار تلفنی راجع به قطعه با هم صحبت کردیم. ایشان را اولین بار در پیتربورگ ملاقات کردم. دو سه روز آنها بودم و ایشان هم آهنگرد روی صحنه و قبل از اجرای من یک مقدار صحبت کردند.

وقتی صحبت از موسیقی ایرانی می شود، این موسیقی نهایتا در دسته بندی world music می گنجد. حتی به ندرت در دسته بندی فولک گنجانده می شود. دلایل این امر به نظر شما چیست؟

تا آنجا که من می دانم آقای «علیزاده» یا نوازنده ها و آهنگسازان دیگری که به خارج می آیند، صرفا به خاطر ایرانی ها می آیند. من می دانم که دوستان خارجا هم هیچ وقت به این کنسرت ها نمی آیند مگر اینکه من دست شان را بگیرم و به آنجا ببرم.

الفکر می کنید دلیل این «بیامدن ها» چیست؟
تا آنجا که من می دانم آقای «علیزاده» یا نوازنده ها و آهنگسازان دیگری که به خارج می آیند، صرفا به خاطر ایرانی ها می آیند. من می دانم که دوستان خارجا هم هیچ وقت به این کنسرت ها نمی آیند مگر اینکه من دست شان را بگیرم و به آنجا ببرم.

الفکر می کنید دلیل این «بیامدن ها» چیست؟
تا آنجا که من می دانم آقای «علیزاده» یا نوازنده ها و آهنگسازان دیگری که به خارج می آیند، صرفا به خاطر ایرانی ها می آیند. من می دانم که دوستان خارجا هم هیچ وقت به این کنسرت ها نمی آیند مگر اینکه من دست شان را بگیرم و به آنجا ببرم.

در پوستون روزی ۱۰ ساعت کار می کردم. اول از بقیه عقب بودم ولی به مرور از همه جلو زدم چون روزی ۱۰ ساعت تمرین می کردم. هم در دوره فوق لیسانس و هم در دوره دکترا روزی ۱۰ ساعت تمرین کردم و جوایزی هم بردم چون خیلی انگیزه داشتم. همیشه می خواستم بهترین و بهترین باشم

و تاثیر پذیری این گروه از موسیقی هند و تأثیرات بین موسیقی هند و ایرانی تا این اندازه زیاد است که موسیقی ایرانی به قول شما برای گوش شنونده های غربی سخت باشد؟

موسیقی هندی هم یک مقدار سنگین است اما آنها توانستند طوری موسیقی خودشان را عرضه کنند که به گوش خوب بیاید. اگر بخواهم به جای بهتری برسم باید موسیقی ایرانی را با دیگر موسیقی هائلیق کنم.

من خیلی دلم می خواهد گیتار را با تنبک و دف بزنم. مثلا می توانم قطعات آمریکای جنوبی را با دف بزنم چون خیلی ریتم دارند. به این صورت می شود دف را معرفی کرد. اگر یک دف نواز تنها روی صحنه برود مخاطبان غربی نمی فهمند موضوع چیست! **یعنی منتظران تان این است که تلفیق و ترکیب سازها می تواند جادوگر باشد؟**

بله، البته خیلی با سلیقه و با دقت، چون آنها آشنایی وسیعی با موسیقی ایرانی ندارند و باید آرام آرام آشنا شوند.

جایگاه آواز ایرانی در این میان کجاست؟
اگر اجرا در سطح آواز محلی باشد قضیه فرق می کند. من خودم در آمریکا این کار را کردم. یک خانم فرانسوی بود که من به او مستان مستان و رشیدخوان و دختر پیراحمدی را یاد دادم که بخواند، خودم هم تنظیم کردم و با هم کنسرت دادیم. نتیجه

کوارتت

به انگیزه اجرای گروه کر فیلامونیک ایران در تالار وحدت

یک اجرای قابل قبول



■ کنسرت بزرگ «گروه کر فیلامونیک ایران» در روزهای ۲۲ و ۲۳ تیر به اجرای قطعاتی در تالار وحدت پرداخت. این گروه یادآور استاد محمد نوری است که آنچه خواند و ساخت نیز از جمله میراث های ملی ایران محسوب می شود. امروز آنچه شاگردانش بر صحنه اجرا کردند، نشان می داد که تا چه اندازه این آموزش ها موثر بوده و توانسته است گستره موسیقی و آواز ایران را ظرفیت افزون تری ببخشد و آن را به موسیقی آکادمیک و کلاسیک جهان نزدیک کند. یاد محمد نوری گرامی باد.

در اجرای اخیر، «گروه کر فیلامونیک ایران» به همراهی ارکستر «Soul Friends» قطعات متنوعی را از موسیقی کلاسیک و بومی اجرا کردند. رهبر گروه علیرضا شفق زاده و تنظیم کننده برای ارکستر و کنسرت، آلولین آوانسیان بود. آنچه اجرا شد ابتدا «کانات شماره چهار در مینور» اثر باخ بود و پس از آن «مس و مازور موتزارت» که در بخش نخست این کنسرت اجرا شد و دشوارترین قسمت اجرا نیز همین بخش ها بود. در حقیقت، این قطعات در کشورهای اروپایی و غربی، بسیار اجرا می شود اما از حیث اهمیت و دشواری، در زمره پیچیده ترین قطعات موسیقی جهان است.

بخشی از این قطعات در مجموعه موسیقی و سرودهای مذهبی، به عناصری کلاسیک بدل شده و ماهیتی جهانی یافته است. بنابراین، صرف نظر از اهمیت نوانویی چون باخ یا موتزارت، باید در همه مراکز عالی و آکادمیک و اصیل در هر نقطه از جهان آموزش داده شود و مرتبا اجراهای خوب و صحیحی از آن عرضه شود. باید سیاست ساز گروه کر فیلامونیک ایران بود که به اجرای بهترین قطعات موسیقی جهان پرداختند. به جز آوانسیان که تنظیم ارکستر را بر عهده داشت و بناپو و ارگ را می نواخت، در قسمت دوم نوازندگان دیگری نیز حضور داشتند. در این قسمت، چند قطعه از جگتینز، جان لوبت، موتزارت، هندل و کارل آرف به اجرا درآمد. پنج قطعه از زیباترین و مشهورترین ترانه های بومی و محلی ایران نیز نواخته و توسط گروه کر اجرا شد. در این قسمت، عین الله کیوان شکوه درامز، واهه آوانسیان گیتار، پترو کشیشی ساکسیفون، تاده یوسفیان کنترباس، علیرضا رحمانی فرد کنتا و

مهرداد تیموری تیمپالی نواختند. کیفیت و شیوه اجرای این گروه، با رهبری شفق زاده، اقیان کنند، کم نقص و حرفه ای بود. اما اوج این اجرا را در کار گروه کر می شد ملاحظه کرد؛ تجربه ای که



مهرداد تیموری تیمپالی نواختند. کیفیت و شیوه اجرای این گروه، با رهبری شفق زاده، اقیان کنند، کم نقص و حرفه ای بود. اما اوج این اجرا را در کار گروه کر می شد ملاحظه کرد؛ تجربه ای که در این سطح و با این خوانندگان آموزش دیده و مسلط، جز در چند بره کوتاه در کشور ما وجود نداشته است. در حقیقت نه تالش زیادی برای این کار صورت گرفته و نه سرمایه گذاری و حمایت جدی و متداومی وجود داشته است. موسیقی

جدی و خوب، به جز علاقه (که در کشور ما اقلانوسی از عاشقان موسیقی وجود دارد) نیازمند سرمایه گذاری، آموزش، تداوم اجراهای قابل قبول، سال ها و فضاهای مناسب و سرانجام نقد و تحلیل و حمایت رسانه ای است. گروه کر فیلامونیک ایران، از بسیاری از این مولفه ها بی نصیب است و اگر کاری پیش رفته، مروه همت و سخت کوشی و علاقه تک تک اعضای گروه است. در گروه کر فیلامونیک ایران، چند خواننده برجسته وجود دارد. تصور می کنم در سال های آینده از این خوانندگان می شود که با استعداد بسیار خواهیم شنید و در یک حمایت رسانه ای است. گروه کر فیلامونیک ایران، از بسیاری از این مولفه ها بی نصیب است و اگر کاری پیش رفته، مروه همت و سخت کوشی و علاقه تک تک اعضای گروه است. در گروه کر فیلامونیک ایران، چند خواننده برجسته وجود دارد. تصور می کنم در سال های آینده از این خوانندگان می شود که با استعداد بسیار خواهیم شنید و در یک حمایت رسانه ای است. گروه کر فیلامونیک ایران، از بسیاری از این مولفه ها بی نصیب است و اگر کاری پیش رفته، مروه همت و سخت کوشی و علاقه تک تک اعضای گروه است. در گروه کر فیلامونیک ایران، چند خواننده برجسته وجود دارد. تصور می کنم در سال های آینده از این خوانندگان می شود که با استعداد بسیار خواهیم شنید و در یک حمایت رسانه ای است. گروه کر فیلامونیک ایران، از بسیاری از این مولفه ها بی نصیب است و اگر کاری پیش رفته، مروه همت و سخت کوشی و علاقه تک تک اعضای گروه است. در گروه کر فیلامونیک ایران، چند خواننده برجسته وجود دارد. تصور می کنم در سال های آینده از این خوانندگان می شود که با استعداد بسیار خواهیم شنید و در یک حمایت رسانه ای است. گروه کر فیلامونیک ایران، از بسیاری از این مولفه ها بی نصیب است و اگر کاری پیش رفته، مروه همت و سخت کوشی و علاقه تک تک اعضای گروه است. در گروه کر فیلامونیک ایران، چند خواننده برجسته وجود دارد. تصور می کنم در سال های آینده از این خوانندگان می شود که با استعداد بسیار خواهیم شنید و در یک حمایت رسانه ای است. گروه کر فیلامونیک ایران، از بسیاری از این مولفه ها بی نصیب است و اگر کاری پیش رفته، مروه همت و سخت کوشی و علاقه تک تک اعضای گروه است. در گروه کر فیلامونیک ایران، چند خواننده برجسته وجود دارد. تصور می کنم در سال های آینده از این خوانندگان می شود که با استعداد بسیار خواهیم شنید و در یک حمایت رسانه ای است. گروه کر فیلامونیک ایران، از بسیاری از این مولفه ها بی نصیب است و اگر کاری پیش رفته، مروه همت و سخت کوشی و علاقه تک تک اعضای گروه است. در گروه کر فیلامونیک ایران، چند خواننده برجسته وجود دارد. تصور می کنم در سال های آینده از این خوانندگان می شود که با استعداد بسیار خواهیم شنید و در یک حمایت رسانه ای است. گروه کر فیلامونیک ایران، از بسیاری از این مولفه ها بی نصیب است و اگر کاری پیش رفته، مروه همت و سخت کوشی و علاقه تک تک اعضای گروه است. در گروه کر فیلامونیک ایران، چند خواننده برجسته وجود دارد. تصور می کنم در سال های آینده از این خوانندگان می شود که با استعداد بسیار خواهیم شنید و در یک حمایت رسانه ای است. گروه کر فیلامونیک ایران، از بسیاری از این مولفه ها بی نصیب است و اگر کاری پیش رفته، مروه همت و سخت کوشی و علاقه تک تک اعضای گروه است. در گروه کر فیلامونیک ایران، چند خواننده برجسته وجود دارد. تصور می کنم در سال های آینده از این خوانندگان می شود که با استعداد بسیار خواهیم شنید و در یک حمایت رسانه ای است. گروه کر فیلامونیک ایران، از بسیاری از این مولفه ها بی نصیب است و اگر کاری پیش رفته، مروه همت و سخت کوشی و علاقه تک تک اعضای گروه است. در گروه کر فیلامونیک ایران، چند خواننده برجسته وجود دارد. تصور می کنم در سال های آینده از این خوانندگان می شود که با استعداد بسیار خواهیم شنید و در یک حمایت رسانه ای است. گروه کر فیلامونیک ایران، از بسیاری از این مولفه ها بی نصیب است و اگر کاری پیش رفته، مروه همت و سخت کوشی و علاقه تک تک اعضای گروه است. در گروه کر فیلامونیک ایران، چند خواننده برجسته وجود دارد. تصور می کنم در سال های آینده از این خوانندگان می شود که با استعداد بسیار خواهیم شنید و در یک حمایت رسانه ای است. گروه کر فیلامونیک ایران، از بسیاری از این مولفه ها بی نصیب است و اگر کاری پیش رفته، مروه همت و سخت کوشی و علاقه تک تک اعضای گروه است. در گروه کر فیلامونیک ایران، چند خواننده برجسته وجود دارد. تصور می کنم در سال های آینده از این خوانندگان می شود که با استعداد بسیار خواهیم شنید و در یک حمایت رسانه ای است. گروه کر فیلامونیک ایران، از بسیاری از این مولفه ها بی نصیب است و اگر کاری پیش رفته، مروه همت و سخت کوشی و علاقه تک تک اعضای گروه است. در گروه کر فیلامونیک ایران، چند خواننده برجسته وجود دارد. تصور می کنم در سال های آینده از این خوانندگان می شود که با استعداد بسیار خواهیم شنید و در یک حمایت رسانه ای است. گروه کر فیلامونیک ایران، از بسیاری از این مولفه ها بی نصیب است و اگر کاری پیش رفته، مروه همت و سخت کوشی و علاقه تک تک اعضای گروه است. در گروه کر فیلامونیک ایران، چند خواننده برجسته وجود دارد. تصور می کنم در سال های آینده از این خوانندگان می شود که با استعداد بسیار خواهیم شنید و در یک حمایت رسانه ای است. گروه کر فیلامونیک ایران، از بسیاری از این مولفه ها بی نصیب است و اگر کاری پیش رفته، مروه همت و سخت کوشی و علاقه تک تک اعضای گروه است. در گروه کر فیلامونیک ایران، چند خواننده برجسته وجود دارد. تصور می کنم در سال های آینده از این خوانندگان می شود که با استعداد بسیار خواهیم شنید و در یک حمایت رسانه ای است. گروه کر فیلامونیک ایران، از بسیاری از این مولفه ها بی نصیب است و اگر کاری پیش رفته، مروه همت و سخت کوشی و علاقه تک تک اعضای گروه است. در گروه کر فیلامونیک ایران، چند خواننده برجسته وجود دارد. تصور می کنم در سال های آینده از این خوانندگان می شود که با استعداد بسیار خواهیم شنید و در یک حمایت رسانه ای است. گروه کر فیلامونیک ایران، از بسیاری از این مولفه ها بی نصیب است و اگر کاری پیش رفته، مروه همت و سخت کوشی و علاقه تک تک اعضای گروه است. در گروه کر فیلامونیک ایران، چند خواننده برجسته وجود دارد. تصور می کنم در سال های آینده از این خوانندگان می شود که با استعداد بسیار خواهیم شنید و در یک حمایت رسانه ای است. گروه کر فیلامونیک ایران، از بسیاری از این مولفه ها بی نصیب است و اگر کاری پیش رفته، مروه همت و سخت کوشی و علاقه تک تک اعضای گروه است. در گروه کر فیلامونیک ایران، چند خواننده برجسته وجود دارد. تصور می کنم در سال های آینده از این خوانندگان می شود که با استعداد بسیار خواهیم شنید و در یک حمایت رسانه ای است. گروه کر فیلامونیک ایران، از بسیاری از این مولفه ها بی نصیب است و اگر کاری پیش رفته، مروه همت و سخت کوشی و علاقه تک تک اعضای گروه است. در گروه کر فیلامونیک ایران، چند خواننده برجسته وجود دارد. تصور می کنم در سال های آینده از این خوانندگان می شود که با استعداد بسیار خواهیم شنید و در یک حمایت رسانه ای است. گروه کر فیلامونیک ایران، از بسیاری از این مولفه ها بی نصیب است و اگر کاری پیش رفته، مروه همت و سخت کوشی و علاقه تک تک اعضای گروه است. در گروه کر فیلامونیک ایران، چند خواننده برجسته وجود دارد. تصور می کنم در سال های آینده از این خوانندگان می شود که با استعداد بسیار خواهیم شنید و در یک حمایت رسانه ای است. گروه کر فیلامونیک ایران، از بسیاری از این مولفه ها بی نصیب است و اگر کاری پیش رفته، مروه همت و سخت کوشی و علاقه تک تک اعضای گروه است. در گروه کر فیلامونیک ایران، چند خواننده برجسته وجود دارد. تصور می کنم در سال های آینده از این خوانندگان می شود که با استعداد بسیار خواهیم شنید و در یک حمایت رسانه ای است. گروه کر فیلامونیک ایران، از بسیاری از این مولفه ها بی نصیب است و اگر کاری پیش رفته، مروه همت و سخت کوشی و علاقه تک تک اعضای گروه است. در گروه کر فیلامونیک ایران، چند خواننده برجسته وجود دارد. تصور می کنم در سال های آینده از این خوانندگان می شود که با استعداد بسیار خواهیم شنید و در یک حمایت رسانه ای است. گروه کر فیلامونیک ایران، از بسیاری از این مولفه ها بی نصیب است و اگر کاری پیش رفته، مروه همت و سخت کوشی و علاقه تک تک اعضای گروه است. در گروه کر فیلامونیک ایران، چند خواننده برجسته وجود دارد. تصور می کنم در سال های آینده از این خوانندگان می شود که با استعداد بسیار خواهیم شنید و در یک حمایت رسانه ای است. گروه کر فیلامونیک ایران، از بسیاری از این مولفه ها بی نصیب است و اگر کاری پیش رفته، مروه همت و سخت کوشی و علاقه تک تک اعضای گروه است. در گروه کر فیلامونیک ایران، چند خواننده برجسته وجود دارد. تصور می کنم در سال های آینده از این خوانندگان می شود که با استعداد بسیار خواهیم شنید و در یک حمایت رسانه ای است. گروه کر فیلامونیک ایران، از بسیاری از این مولفه ها بی نصیب است و اگر کاری پیش رفته، مروه همت و سخت کوشی و علاقه تک تک اعضای گروه است. در گروه کر فیلامونیک ایران، چند خواننده برجسته وجود دارد. تصور می کنم در سال های آینده از این خوانندگان می شود که با استعداد بسیار خواهیم شنید و در یک حمایت رسانه ای است. گروه کر فیلامونیک ایران، از بسیاری از این مولفه ها بی نصیب است و اگر کاری پیش رفته، مروه همت و سخت کوشی و علاقه تک تک اعضای گروه است. در گروه کر فیلامونیک ایران، چند خواننده برجسته وجود دارد. تصور می کنم در سال های آینده از این خوانندگان می شود که با استعداد بسیار خواهیم شنید و در یک حمایت رسانه ای است. گروه کر فیلامونیک ایران، از بسیاری از این مولفه ها بی نصیب است و اگر کاری پیش رفته، مروه همت و سخت کوشی و علاقه تک تک اعضای گروه است. در گروه کر فیلامونیک ایران، چند خواننده برجسته وجود دارد. تصور می کنم در سال های آینده از این خوانندگان می شود که با استعداد بسیار خواهیم شنید و در یک حمایت رسانه ای است. گروه کر فیلامونیک ایران، از بسیاری از این مولفه ها بی نصیب است و اگر کاری پیش رفته، مروه همت و سخت کوشی و علاقه تک تک اعضای گروه است. در گروه کر فیلامونیک ایران، چند خواننده برجسته وجود دارد. تصور می کنم در سال های آینده از این خوانندگان می شود که با استعداد بسیار خواهیم شنید و در یک حمایت رسانه ای است. گروه کر فیلامونیک ایران، از بسیاری از این مولفه ها بی نصیب است و اگر کاری پیش رفته، مروه همت و سخت کوشی و علاقه تک تک اعضای گروه است. در گروه کر فیلامونیک ایران، چند خواننده برجسته وجود دارد. تصور می کنم در سال های آینده از این خوانندگان می شود که با استعداد بسیار خواهیم شنید و در یک حمایت رسانه ای است. گروه کر فیلامونیک ایران، از بسیاری از این مولفه ها بی نصیب است و اگر کاری پیش رفته، مروه همت و سخت کوشی و علاقه تک تک اعضای گروه است. در گروه کر فیلامونیک ایران، چند خواننده برجسته وجود دارد. تصور می کنم در سال های آینده از این خوانندگان می شود که با استعداد بسیار خواهیم شنید و در یک حمایت رسانه ای است. گروه کر فیلامونیک ایران، از بسیاری از این مولفه ها بی نصیب است و اگر کاری پیش رفته، مروه همت و سخت کوشی و علاقه تک تک اعضای گروه است. در گروه کر فیلامونیک ایران، چند خواننده برجسته وجود دارد. تصور می کنم در سال های آینده از این خوانندگان می شود که با استعداد بسیار خواهیم شنید و در یک حمایت رسانه ای است. گروه کر فیلامونیک ایران، از بسیاری از این مولفه ها بی نصیب است و اگر کاری پیش رفته، مروه همت و سخت کوشی و علاقه تک تک اعضای گروه است. در گروه کر فیلامونیک ایران، چند خواننده برجسته وجود دارد. تصور می کنم در سال های آینده از این خوانندگان می شود که با استعداد بسیار خواهیم شنید و در یک حمایت رسانه ای است. گروه کر فیلامونیک ایران، از بسیاری از این مولفه ها بی نصیب است و اگر کاری پیش رفته، مروه همت و سخت کوشی و علاقه تک تک اعضای گروه است. در گروه کر فیلامونیک ایران، چند خواننده برجسته وجود دارد. تصور می کنم در سال های آینده از این خوانندگان می شود که با استعداد بسیار خواهیم شنید و در یک حمایت رسانه ای است. گروه کر فیلامونیک ایران، از بسیاری از این مولفه ها بی نصیب است و اگر کاری پیش رفته، مروه همت و سخت کوشی و علاقه تک تک اعضای گروه است. در گروه کر فیلامونیک ایران، چند خواننده برجسته وجود دارد. تصور می کنم در سال های آینده از این خوانندگان می شود که با استعداد بسیار خواهیم شنید و در یک حمایت رسانه ای است. گروه کر فیلامونیک ایران، از بسیاری از این مولفه ها بی نصیب است و اگر کاری پیش رفته، مروه همت و سخت کوشی و علاقه تک تک اعضای گروه است. در گروه کر فیلامونیک ایران، چند خواننده برجسته وجود دارد. تصور می کنم در سال های آینده از این خوانندگان می شود که با استعداد بسیار خواهیم شنید و در یک حمایت رسانه ای است. گروه کر فیلامونیک ایران، از بسیاری از این مولفه ها بی نصیب است و اگر کاری پیش رفته، مروه همت و سخت کوشی و علاقه تک تک اعضای گروه است. در گروه کر فیلامونیک ایران، چند خواننده برجسته وجود دارد. تصور می کنم در سال های آینده از این خوانندگان می شود که با استعداد بسیار خواهیم شنید و در یک حمایت رسانه ای است. گروه کر فیلامونیک ایران، از بسیاری از این مولفه ها بی نصیب است و اگر کاری پیش رفته، مروه همت و سخت کوشی و علاقه تک تک اعضای گروه است. در گروه کر فیلامونیک ایران، چند خواننده برجسته وجود دارد. تصور می کنم در سال های آینده از این خوانندگان می شود که با استعداد بسیار خواهیم شنید و در یک حمایت رسانه ای است. گروه کر فیلامونیک ایران، از بسیاری از این مولفه ها بی نصیب است و اگر کاری پیش رفته، مروه همت و سخت کوشی و علاقه تک تک اعضای گروه است. در گروه کر فیلامونیک ایران، چند خواننده برجسته وجود دارد. تصور می کنم در سال های آینده از این خوانندگان می شود که با استعداد بسیار خواهیم شنید و در یک حمایت رسانه ای است. گروه کر فیلامونیک ایران، از بسیاری از این مولفه ها بی نصیب است و اگر کاری پیش رفته، مروه همت و سخت کوشی و علاقه تک تک اعضای گروه است. در گروه کر فیلامونیک ایران، چند خواننده برجسته وجود دارد. تصور می کنم در سال های آینده از این خوانندگان می شود که با استعداد بسیار خواهیم شنید و در یک حمایت رسانه ای است. گروه کر فیلامونیک ایران، از بسیاری از این مولفه ها بی نصیب است و اگر کاری پیش رفته، مروه همت و سخت کوشی و علاقه تک تک اعضای گروه است. در گروه کر فیلامونیک ایران، چند خواننده برجسته وجود دارد. تصور می کنم در سال های آینده از این خوانندگان می شود که با استعداد بسیار خواهیم شنید و در یک حمایت رسانه ای است. گروه کر فیلامونیک ایران، از بسیاری از این مولفه ها بی نصیب است و اگر کاری پیش رفته، مروه همت و سخت کوشی و علاقه تک تک اعضای گروه است. در گروه کر فیلامونیک ایران، چند خواننده برجسته وجود دارد. تصور می کنم در سال های آینده از این خوانندگان می شود که با استعداد بسیار خواهیم شنید و در یک حمایت رسانه ای است. گروه کر فیلامونیک ایران، از بسیاری از این مولفه ها بی نصیب است و اگر کاری پیش رفته، مروه همت و سخت کوشی و علاقه تک تک اعضای گروه است. در گروه کر فیلامونیک ایران، چند خواننده برجسته وجود دارد. تصور می کنم در سال های آینده از این خوانندگان می شود که با استعداد بسیار خواهیم شنید و در یک حمایت رسانه ای است. گروه کر فیلامونیک ایران، از بسیاری از این مولفه ها بی نصیب است و اگر کاری پیش رفته، مروه همت و سخت کوشی و علاقه تک تک اعضای گروه است. در گروه کر فیلامونیک ایران، چند خواننده برجسته وجود دارد. تصور می کنم در سال های آینده از این خوانندگان می شود که با استعداد بسیار خواهیم شنید و در یک حمایت رسانه ای است. گروه کر